

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال پانزدهم، شماره ۸۱، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۰-۷۳

## بررسی نقش آمریکا در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵)

احمد کریم خانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۰

### چکیده

بحران سوریه یکی از پیچیده‌ترین حوادث تأثیرگذار در نظام بین‌الملل طی سال‌های اخیر بوده است. در این بحران بازیگران مختلفی با اهداف و انگیزه‌های متفاوت به ایفای نقش پرداخته‌اند. از میان این بازیگران، آمریکا و ایران به عنوان دو بازیگر مهم و تأثیرگذار، واکنش‌ها و مواضع مختلفی را نسبت به بحران سوریه اتخاذ کرده‌اند. بررسی نقش آمریکا در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، هدف مقاله می‌باشد. بنابراین این مقاله تلاش نموده است ضمن بررسی موضوع، با روش توصیفی-تحلیلی، ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری بحران سوریه، نقش و رویکرد ایالات متحده در قبال این بحران با عنایت به محیط‌شناسی سوریه و آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران را به‌ویژه از دو جنبه سیاسی و نظامی توضیح دهد. نگاه کلان، عمقی و آکادمیک به کم و کیف و ماهیت بحران سوریه، تبیین رویکردها و همچنین اقدامات دولت ایالات متحده با نگاهی به مبانی شکل‌دهنده سیاست خارجی آمریکا در قبال بحران سوریه که به گسترش بیش از پیش بحران مذکور انجامیده است، شناسایی آثار و پیامدهای حضور آمریکا در تحولات مربوط به سوریه که مستقیم یا غیرمستقیم بر سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان متحد راهبردی سوریه اثرگذار بوده است و در کنار اینها ارائه مکانیسم‌هایی جهت مقابله با تأثیرات ناگوار ناشی از مداخله آمریکا در بحران سوریه بر ایران از جمله موضوعات بسیار مهمی است که ضرورت انجام پژوهش حاضر را دوچندان نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** بحران سوریه، امنیت سیاسی، امنیت نظامی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۱. کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک

#### مقدمه

خاورمیانه همواره یکی از «بحران خیزترین» مناطق جهان بوده و تحولات درون این منطقه همواره معادلات را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. تحولات مربوط به بحران سوریه از جمله تحولاتی است روند آن توانسته است به طور جدی تقابل استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را با آمریکا تحت تأثیر جدی قرار دهد. شواهد و مستندات بسیاری وجود دارد که ایران در مقطع زمانی مورد تأکید تحقیق حاضر یعنی بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ بن به دلایل مختلف از دولت بشار اسد به طور جدی در مقابل مخالفان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حمایت و پشتیبانی نموده است. از طرف دیگر آمریکا و متحدان و وابستگان منطقه‌ای اش از جمله اسرائیل و عربستان و ترکیه و برخی از شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس طی سال‌های مورد اشاره به هر نحو ممکن در جهت براندازی اسد جهت و در نتیجه قطع محور ایران، سوریه و حزب الله تلاش نموده اند، زیرا آمریکا خواهان تغییر ائتلاف‌ها و اتحادها استراتژیک منطقه به ضرر جمهوری اسلامی ایران هستند.

همچنین باید توجه داشت که بحران سوریه و حضور نرم افزاری و سخت افزاری ایالات متحده آمریکا در این بحران، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به عنوان یکی از متغیرهای مهم و تأثیر گذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده است، ضمن این که عملکرد و نقش آفرینی مستقیم و غیرمستقیم ایالات متحده در مواجهه با بحران سوریه که دامنه و ابعاد وسیعی به آن بخشیده و آن را به یکی از پیچیده ترین بحران‌های منطقه‌ای در طی دوران پس از جنگ سرد تبدیل نموده است، در حالی که فرصت‌هایی نیز پیش روی ایران قرار داده است، ولی با این حال به طور امنیت ملی جمهوری اسلامی و به طور اخص امنیت سیاسی و نظامی را با مسائل متعددی مواجه ساخته است.

#### بیان مسأله

سوریه از لحاظ موقعیت ژئواستراتژیکی برای ایالات متحده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این کشور تا سال ۱۹۹۱ برای ایالات متحده یک شریک حیاتی جهت حفظ توازن قوا در آسیای غربی باقی ماند، اما این روند در سال ۲۰۰۰ با انتخاب بوش به عنوان رئیس جمهور آمریکا تغییر یافت. در این دوره «مخالفت کردن از طریق منزوی کردن» به جای تعامل پایه مرکزی رویکرد

سیاست خارجی آمریکا نسبت به سوریه شد.

وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۲ سوریه را به عنوان دولت شرور به تصویر کشید و در سال ۲۰۰۴ این کشور را تحریم کرد. سوریه پس از ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵ با فشارهای شدیدی از سوی آمریکا مواجه شد، اما یکی از نخستین بندهای دستور کار دولت اواما این بود که نقش دیپلماسی در سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه ممکن است سنگین تر از قوه قهریه باشد. از این رو از سال ۲۰۰۹ رویکرد جدید را نسبت به سوریه آغاز کرد و دیگر تقابلی نسبت به آن کشور نداشت که این روند دو سال بیشتر تداوم نیافت و در سال ۲۰۱۱ که بحران سوریه آغاز شد، ایالات متحده نیز رفتاری کاملاً متفاوت و تقابل گرایانه در قبال این کشور اتخاذ نمود.

اما گستردگی جغرافیای منازعه، حجم بالای خسارت وارده، وقوع خشونت های بسیار شدید و نیز حضور مستقیم و غیر مستقیم تعداد بی شماری از بازیگران نظام بین الملل در صحنه نبردهای عملیاتی موجب شده است تا از این بحران به عنوان یکی از نمونه های منحصر بفرد در یک دهه اخیر یاد شود.

بحران سوریه از همان روزهای نخستین خویش نه تنها عرصه کشمکش و منازعه داخلی بوده، بلکه میدانی برای منافع و مطامع همسو و متضاد کشورهای مختلف در عرصه منطقه ای و بین المللی نیز به شمار رفته است. چنانکه بحران مذکور به علت برخورداری از شرایط خاص و پیچیدگی های داخلی، منطقه ای و بین المللی در مرکز توجهات جهانی قرار گرفته است. با شکل گیری بحران سیاسی در سوریه در سال ۲۰۱۱، بازیگران منطقه ای و بین المللی ذی نفع و تأثیر گذار، بر اساس منافع و علایق خود جهت گیری های مختلفی را در رابطه با این کشور اتخاذ نموده اند. پیگیری این منافع برای برخی در تغییر رژیم بشار اسد و برای برخی دیگر در ابقای آن بوده است که این معادله کماکان استمرار داشته، کما این که آن را در مرکز توجه سیاست خارجی برخی از بازیگران مطرح منطقه ای و بین المللی از جمله ایران و آمریکا به عنوان دو کشور متخاصم قرار داده است.

در این راستا آمریکا از آغاز ناآرامی ها در سوریه شیوه های گوناگونی را برای مدیریت تحولات سوریه در ابعاد داخلی، منطقه ای و بین المللی به کار گرفته و مواضع سخت گیرانه و خشنی نسبت به

سوریه اتخاذ کرده که از جمله آن می‌توان به مواردی همچون تجهیز مخالفان، طرح حمله به سوریه، تلاش برای صدور قطعنامه‌های متعدد بر علیه دولت قانونی سوریه، تحریک کشورهای عربی برای مخالفت و تشدید تعارضات با سوریه، همسوسازی کشورها در مقابل سوریه، مقابله با حضور ایران در سوریه و... اشاره کرد که همه این موارد هر یک به گونه‌ای خاص سیاست خارجی و امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده و در عین حال که تهدیداتی را متوجه امنیت ملی ایران نموده است، فرصت‌هایی را نیز از طریق فعال شدن بیش از پیش در مقابل سیاست خارجی ایران به عنوان یک بازیگر مطرح در معادلات غرب آسیا قرار داده است. بنابراین در این راستا می‌توان گفت بحران سوریه به مرور نه تنها متأثر از رفتارهای خارجی ایالات متحده بوده است، بلکه بر سیاست خارجی و امنیت ملی و منطقه ایران و همچنین رهیافت‌های تقابل گرایانه آمریکا با ایران نیز اثر گذاشته است. با توجه به این مطالب پژوهش حاضر در صدد بررسی نقش آمریکا در قبال بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. و از آنجا که «امنیت» ابعاد گوناگونی دارد اما این پژوهش صرفاً در صدد بررسی امنیت در حوزه‌های «سیاسی» و «نظامی» می‌باشد.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

### اهمیت تحقیق

تحولاتی که از دهه دوم هزاره سوم میلاد در برخی از کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا آغاز شد، نه تنها از نظر داخلی بلکه از نظر منطقه‌ای و بین‌المللی نیز یکی از موضوعات حساس و سرنوشت ساز در سال‌های بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ میلادی بوده است که توجهات بسیاری را چه در سطح منطقه و چه در حوزه‌های فرامنطقه‌ای به خود جلب کرده است.

با عنایت به این که بحران سوریه در نتیجه دخالت‌های گسترده قدرت‌های فرامنطقه‌ای بخصوص آمریکا عمق و دامنه وسیعی به خود گرفته و با نظر به این موضوع که تحولات داخلی این کشور همواره بر امنیت و منافع ملی و همچنین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است، بنابراین اهمیت بررسی و کنکاش در این موضوع با تأکید بر شناسایی تهدیدات و در عین

حال فرصت‌هایی که در نتیجه دخالت آمریکا در بحران سوریه در پیش روی سیاست خارجی ایران قرار گرفته است، با رویکردی کاملاً علمی و واقع‌بینانه بیش از پیش برجسته می‌شود. ضمن این که در شرایط کنونی که ایالات متحده آمریکا به انحاء مختلف در صدد بالا بردن بیش از پیش سطح آسیب‌پذیری ایران از تحولات منطقه‌ای غرب آسیا می‌باشد، دقت نظر در تأثیراتی که در نتیجه حضور آمریکا در بحران سوریه متوجه ایران شده و قطع و یقین در سال‌های آتی نیز تأثیرگذار خواهد بود، موضوع بسیار مهمی بوده و از اهمیت حائز بر خوردار می‌باشد. به بیان دیگر شناخت رویکردهای رفتاری سیاست خارجی دولت آمریکا در مواجهه با بحران سوریه نه تنها برای سایر بازیگران بین‌المللی بلکه برای جمهوری اسلامی ایران و دستگاه دیپلماسی آن که از متحدان طراز اول منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای سوریه می‌باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

### ضرورت تحقیق

و اما مسائلی که ضرورت پرداخت به این تحقیق را حائز اهمیت و دو چندان نموده است عبارتند از:

۱. نگاه کلان، عمقی و آکادمیک به کم و کیف و ماهیت بحران سوریه.
۲. تبیین رویکردها و همچنین اقدامات دولت ایالات متحده با نگاهی به مبانی شکل دهنده سیاست خارجی آمریکا در قبال بحران سوریه که به گسترش بیش از پیش بحران مذکور انجامیده است.
۳. شناسایی آثار و پیامدهای حضور آمریکا در تحولات مربوط به سوریه که مستقیم یا غیر مستقیم بر سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان متحد راهبردی سوریه اثرگذار بوده است.
۴. همچنین ارائه مکانیسم‌هایی جهت مقابله با تأثیرات ناگوار ناشی از مداخله آمریکا در بحران سوریه بر ایران.

### سؤال اصلی تحقیق

نقش دولت ایالات متحده آمریکا در بحران سوریه، چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

### سؤال‌های فرعی

۱. عملکرد آمریکا در بحران سوریه چگونه قابل ارزیابی است؟
۲. عملکرد آمریکا در بحران سوریه چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
۳. عملکرد آمریکا در بحران سوریه چه تأثیری بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

### روش تحقیق

این مقاله بیشتر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. منظور از روش کتابخانه‌ای بررسی پدیده‌ها بر اساس اسناد و مدارک موجود، مراجعه به کتب و مقالات مرتبط و موجود، نشریات و مطبوعات، مقالات و مجلات و سایت‌های اینترنتی است. پس از گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن‌ها به طور عمده از طریق توصیف و تحلیل مبتنی بر تفکر، منطق و استدلال صورت گرفته است. ضمن این‌که نگارنده در پژوهش حاضر سعی نموده است تا به دور از تبلیغات رسانه‌ای غربی و القائاتی که در این زمینه وجد دارد، بی‌هیچ دخالت شخصی و یا استنتاج ذهنی پژوهش را به یک فرجام علمی رسانده و نتایج عینی را به دست دهند. بنابراین این پژوهش مبتنی به سه هدف است: کشف و تبیین متغیرهای معتبر در موقعیت میدانی، کشف و تحلیل روابط بین متغیرها و همچنین ایجاد زمینه برای کار بعدی.

### مبانی نظری تحقیق

در این مقاله از نظریه‌های مختلفی که با یک چارچوب علمی و آکادمیکی از قدرت پردازش و تحلیل و تعمیق در موضوع مورد پژوهش برخوردار هستند، استفاده شده است که مشخصاً شامل «رهیافت تصمیم‌گیری»، «نظریه رئالیسم» و «رهیافت گسترده سازی امنیت در مکتب کپنهاگ» است که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

### رهیافت تصمیم‌گیری

یکی از سطوح تحلیل سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، بررسی رفتار دولت‌ها بر پایه ارزیابی تصمیماتی است که سیاستگذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. بدین ترتیب، روش تصمیم‌گیری یکی از چارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین‌الملل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. هنگامی که رفتار بازیگران سیاسی، یعنی دولت‌ها را در صحنه سیاست بین‌الملل مطالعه می‌کنیم، در واقع تصمیماتی را مطالعه می‌کنیم که آن‌ها به صورت داده‌های سیاست خارجی خود وارد محیط بین‌الملل می‌کنند. (Rosenau, 1971, pp. 95-120)

تصمیمات تئوری تصمیم‌گیری را می‌توان در شش شاخه از متغیرها بررسی کرد. متغیرهای تصمیم‌گیری عبارت‌اند از عوامل تصمیم‌گیری و به متغیرهایی گفته می‌شود که در اتخاذ یک تصمیم باید آن‌ها را مد نظر قرارداد. این عوامل عبارت‌اند از: مسأله‌ای که باید در مورد آن تصمیم‌گیری شود، سازمان‌ها و نهادهایی که در اتخاذ تصمیم نقش دارند (دست‌اندرکاران تصمیم‌گیری)، فرآیند تصمیم‌گیری که از شناسایی مسأله شروع می‌شود و تا برآورد هزینه‌ها و فایده‌ها ادامه می‌یابد، اجرای تصمیم که معمولاً پس از اتخاذ تصمیم آغاز می‌شود و اصطلاحاً عملیاتی شدن تصمیم‌گیری نامیده می‌شود و نتیجه تصمیم که محصول فرایند طولانی تصمیم‌گیری است. (خوشوقت، ۱۳۸۵: ۲۲۵)

یکی دیگر از موضوعات مربوط به رهیافت تصمیم‌گیری، مبحثی تحت عنوان «مدل عقلایی» می‌باشد. در این مدل تصمیم‌گیرنده، انسان عقلایی کامل به شمار آمده است که در شرایطی تصمیم می‌گیرد که راه حل‌های گوناگون و طرق عمل مختلف به دقت و صحت سنجیده و ارزیابی شده‌اند. در نتیجه به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری عقلایی است و تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، حداکثر مطلوبیت را دارند و تصمیماتی هستند که هدف‌های مورد نظر را به بهترین وجه تأمین و برآورده می‌نمایند. (Render and Stair, 1992: 76)

### نظریه رئالیسم

مکتب فکری رئالیسم که مبتنی بر واقع‌گرایی و اتخاذ تصمیم بر اساس واقعیات بیرونی موجود در

محیط بین‌الملل و بیرونی است را می‌توان مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل نامید. آنارشی، ترس (الگوی رفتاری) بقاء محوری (الگوی رفتاری)، قدرت محوری (الگوی رفتاری)، دولت محوری، ثبات، تعارض و منازعه در نظام و همچنین موازنه قوا که به سه بخش «موازنه نرم»، «موازنه تهدید» و «موازنه کلاسیک و فراگیر» تقسیم می‌شود، از مهم‌ترین مفروضات نظری مکتب فکری رئالیسم است.

### رهیافت گسترده سازی امنیت در مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که «بیل مکسوینی» بر آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، الی ویور و دوویلد و دیگران به کار برده است. مکتب مذکور مطالعات امنیتی را که از ویژگی‌های دوران بعد از جنگ سرد است، از حوزه مطالعات راهبردی دوران جنگ سرد تفکیک کرده و آن را در زیر روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را زیر مطالعات منطقه‌ای قرار داده است. این تلاش بوزان و همکارانش توجه آنان را به خارج نمودن مسائل امنیتی از دایره تنگ نظامی و تعمیم آن به سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی نشان می‌دهد. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۳)

باری بوزان و «مکتب کپنهاگ» در گسترده سازی مفهوم امنیت پیشتاز بودند. (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۷ - ۳۹) باری بوزان در خصوص امنیت معتقد است که بایستی امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود و از نظر وی امنیت در نبود مسأله دیگری به نام تهدید درک می‌شود. به استناد نظر باری بوزان تحلیل امنیت در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی صورت می‌گیرد. مکتب کپنهاگ ضمن توجه به هر سه سطح تحلیل معتقد است که منطقه‌گرایی در قیاس با دوران جنگ سرد تقویت شده و علاوه بر آن اهمیت مجموعه‌های امنیتی نیز افزایش یافته است و بر همین اساس به سطح منطقه‌ای توجه بیشتری دارد چرا که معتقد است هر منطقه‌ای مقتضیات امنیتی ویژه‌ای داشته و طبعاً تحلیل‌های امنیتی آن به شکل متفاوتی از سایر مناطق صورت می‌گیرد. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۸)

تز اصلی بوزان و همکارش ویور، نظریه امنیت منطقه‌ای است و بر این فرض استوار است که پایان جنگ سرد آغاز ناآرامی‌های گسترده‌ای شده که ریشه در محدودیت‌های مکاتب رئالیستی و



ابعاد امنیت دارد، بدین ترتیب که مکتب واقع گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه موضع امنیت و نیز مکتب جهانگرا با تلقی نظام بین المللی به عنوان یگانه عامل امنیت، از کانون تکوین حرکت های اصلی منطقه غفلت کرده اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی های کشورهای که در منطقه خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند توجه کرد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۱۸)

از نظر این مکتب امنیت منطقه ای یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن اولاً دغدغه امنیتی مشابهی دارند، ثانیاً از نظر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی دارای خاطرات یا سرنوشت مشابهی می باشند و واحدهای تشکیل دهنده آن بر حسب نگرانی ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدات، به منظور ایجاد و حفظ خود تن به قواعد و ساز و کارهای مشخص می دهند. (نصری، ۱۳۸۴: ۵۷۰)

#### تهدیدها و آسیب پذیری های امنیت ملی

اندیشمندان حوزه امنیتی در مورد جوامع آسیب پذیر و جوامع قوی که کمتر در معرض آسیب ها قرار می گیرند، معتقدند قوت و ضعف اولیه جوامع در مقابل تهدیدهای امنیتی می تواند میزان آسیب پذیری را افزایش یا کاهش دهد. بدین معنا که برخی از جوامع به علل خاص از سلامت بیشتری برخوردار بوده و به راحتی دستخوش ناامنی نمی شوند، بالعکس بعضی از جوامع بسیار آسیب پذیر بوده و با کوچک ترین اقدام ضد امنیتی دچار بحران می گردند، برای مثال، مقاومت اولیه بدن انسان در مقابل بیماری ها چنانچه انسانی ضعیف باشد، طبیعتاً استعداد بیشتری برای بیماری دارد و انسان سالم در مقابل بیماری ها مقاومت دارد و به راحتی آن را جذب نمی کند و نیز بسادگی تسلیم بیماری نمی شود. بنابراین جوامع نیز از آسیب پذیری یکسانی برخوردار نمی باشند. (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۳)

#### عوامل تهدید کننده امنیت ملی

عوامل تهدید کننده امنیت ملی را بطور کلی می توان به دو دسته تهدیدات خارجی و تهدیدات داخلی تقسیم کرد. تهدیدات خارجی در دو سطح قابل بررسی است: اول، در سطح سیستم بین المللی؛ تهدیداتی چون بی ثباتی بین المللی، تروریسم بین المللی، رقابت اقتصادی جهانی و... و دوم

سطح سیستم‌های منطقه‌ای نظیر بی‌ثباتی مرزی، جنگ میان دو کشور همسایه و... تهدیدات داخلی نیز می‌تواند شامل بی‌ثباتی، اغتشاش در نظام‌های فرعی، تعارضات قومی و نژادی، مشکلات اقتصادی (افول میزان نرخ رشد، توسعه نیافتگی، کاهش میزان بهره‌وری و...)، مشکلات زیست‌محیطی، مسائل فرهنگی و... باشد. این عوامل می‌توانند بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته باشند و یکدیگر را تقویت یا حتی خنثی نمایند.

### امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، ملاحظات امنیتی تغییرات جدی پیدا نمودند. در نظام جدید، تعاریف متفاوتی از انسان، حکومت و نظام بین‌الملل ارائه شد که به کلی با گذشته متفاوت بود. بر این اساس مبانی امنیتی کشور دچار تغییر و دگرگونی فراوان گردید. در مقام تعریف می‌توان گفت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: استقرار نظم و ثبات که مستلزم فقدان ترس و تهدید نسبت به حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام و ارزش‌های وابسته به آن، حفظ حقوق شهروندی و حفظ روابط منطقی با جهان به منظور تأمین و تضمین توسعه پایدار ایران می‌باشد. ابعاد مهم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

### امنیت نظامی

امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به صورت فقدان تهدیدات نظامی داخلی و خارجی علیه ارزش‌های مکتسب مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آن‌ها تعریف کرد. این ارزش‌ها شامل حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، سلامت و امنیت مردم، بقای نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-مذهبی، رفاه و معیشت مردم می‌شود و تهدیدات نظامی علیه این ارزش‌ها ممکن است عینی یا ذهنی باشد. همچنین بهترین سازوکار برای تأمین امنیت نظامی، داشتن قدرت و نیروی نظامی کافی و کارآمد برای جلوگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم نظامی تلقی می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۷)

### امنیت اقتصادی

بر اساس ماهیت و کارکرد مستقل و ابزاری قدرت اقتصادی و تهدیدات کارگزاری و ساختاری،

امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به صورت زیر می‌توان تعریف کرد: «امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به معنای توانایی تأمین نیازهای جامعه و مردم، رفاه و معیشت اقتصادی، توسعه صنعتی، فناوری اقتصادی و تجاری از طریق حفظ اصول سازمان دهنده و ساختار نظام اقتصاد ملی و دسترسی آزاد به منابع، سرمایه و بازار جهانی و عدم آسیب پذیری از تهدیدات ساختاری و کارگزاری اقتصادی می‌باشد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۴۹۰)

### امنیت سیاسی

بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از ثبات سازمانی و ساختاری کشور، نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت بخش به دولت و نظام حکومتی آن. از این رو امنیت سیاسی دارای وجوه و سطوح مختلفی است. بعضی از وجوه و جوانب آن در سطح ملی ناظر به رابطه میان دولت و ملت است. بنابراین هر عاملی که در اثر سلب رضایت مردم از حکومت، موجب شکاف بین دولت و ملت شود، تهدید امنیتی به شمار می‌رود. همچنین وجود تهدیدات علیه ساختارها و نهادهای سیاسی نیز بیانگر فقدان امنیت سیاسی است. وجوه دیگری از امنیت سیاسی در سطح بین‌المللی معطوف و مربوط به روابط و تعامل بین‌المللی است.

### چالش‌های امنیتی در محیط پیرامونی ایران

جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش‌ها و مشکلاتی متعدد و متداوم روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی باز تولید شده است، به گونه‌ای که این کشور هنوز نتوانسته است در هیچ کدام از این حوزه‌ها شاهد شکل‌گیری چهارچوب امنیتی پایدار و ثباتی مورد توافق باشد.

در گذشته چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد، به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی مدت نظامی را در بر می‌گرفت. اکنون نیز این مسأله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با

یکدیگر ارتباطی چند بعد و تنگاتنگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد دولت‌های ضعیف و بحران‌آلود، چالشی اساسی‌تر باشد که باعث تحریک ۲ مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد.

### رویکرد امنیتی ایران در منطقه

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد امنیتی ایران در منطقه در اتحاد و همگرایی با غرب و به ویژه آمریکا تعریف می‌شد و ایران در چهارچوب فضای جنگ سرد و استراتژی آمریکا در خاورمیانه به همراه عربستان سعودی به عنوان ۲ ستون امنیتی این کشور در منطقه محسوب می‌شدند. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب در جهت اتخاذ سیاست امنیتی مستقل حرکت کرده و سعی کرد تا خود را خارج از استراتژی‌ها و رویکردهای ۲ قدرت جهانی تعریف کند. در این راستا همکاری و مشارکت با بازیگران منطقه‌ای در جهت شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در اولویت قرار گرفت.

رویکرد ایران در محیط پیرامونی خود براساس الگوی امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت قرار دارد. در این رویکرد، مشارکت جدی تمامی کشورهای منطقه در سازمان‌دهی ساختار امنیتی منطقه‌ای و همکاری مؤثر در این خصوص در اولویت قرار می‌گیرد از سوی دیگر، حضور مداوم قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیت منطقه‌ای نفی و این حضور عامل عمده‌ای در جهت افزایش تعارضات و تنش‌ها در سطح منطقه تلقی می‌شود.

### اهمیت راهبردی سوریه

سوریه از زمان‌های دور، از نظر کشورهای مختلف بالاترین منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را در منطقه خاورمیانه داشته و همچنان دارد. ژئوپلیتیک سوریه به گونه‌ای است که جایگاهی راهبردی به این کشور بخشیده است. زیرا باعث قرار گرفتن آن در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا گردیده و سوریه را در میان اروپای صنعتی و آسیا قرار داده است.

اهمیت سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت است از: (۱) مرکزیت سوریه به لحاظ راهبردی (۲) پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل (۳) احساس خطر از ناحیه اسلام

سیاسی و بنیادگرا در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن. (آجرلو، ۱۳۹۰: ۳)

سوریه بازبگر ژئوپلیتیک محور است که سه عامل؛ واقع شدن در منطقه استراتژی خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه، برخورداری از ۵۸۱ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژی، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، سوریه را «بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند. سوریه تنها کشور عربی است که در میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی نقش مستقل‌تری را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌نماید. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه عمده دلیل اهمیت نظامی و استراتژی این کشور در منطقه می‌باشد. در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد، از این رو مقامات اسرائیل سوریه را به عنوان تهدید استراتژی به حساب می‌آورند، همچنین نقش آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و قرار گرفتن دمشق به عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی، بر اهمیت استراتژی سوریه افزوده است.

این کشور می‌تواند از طریق بنادر بانیاس و طرطوس در ساحل مدیترانه، مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشد. مسیر سوریه وابستگی عراق و ایران را برای صادرات انرژی به خلیج فارس، کانال سوئز و حتی ترکیه تقلیل می‌دهد. این موقعیت باعث برانگیخته شدن حرس رقابت ژئوپلیتیکی ترکیه با سوریه شده است. سوریه در اکثر مسایل خاورمیانه دارای نقش کلیدی است به طوری که، عدم حمایت از رژیم بعثی صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران و ممانعت از عربی - فارسی شدن جنگ، حمایت از مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و مخالفت با روند سازش و به رسمیت نشناختن از جمله این موارد است.

### روابط سوریه با جمهوری اسلامی ایران

روابط ایران و سوریه را می‌توان کهن‌ترین روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی بین ایران و یکی از

کشورهای عربی منطقه خاورمیانه دانست. این روابط هیچ‌گاه در حد عالی نبوده است ولی همواره نقاط مشترک زیادی بین اهداف مدنظر رهبران دو کشور بوده است که تمایل به حفظ روابط در حد خوب را موجب شده است. کشورهای غربی و عربی از دهه ۸۰ میلادی شروع به یک سری اقدامات جهت دور کردن سوریه عربی از ایران فارسی می‌نمودند که هیچگاه موفق نشدند این رابطه را قطع نمایند و رهبران سوریه همواره در مقابل خواست این کشورها موافقت نموده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل حفظ این روابط وجود خطرات منطقه‌ای مشترکی همچون اسرائیل بوده است. در هر صورت روابط نزدیک بین ایران و سوریه در تمامی ابعاد آن، بر پایه موقعیت ژئوپلیتیک است نه مذهب. ایران مدت‌هاست که به سوریه به عنوان وزنه تعادلی در مقابل آمریکا، اسرائیل و رقبای عرب خود نگاه می‌کند. جنگ بین ایران و عراق همکاری‌های بین ایران و سوریه را محکم‌تر کرد، ضمن این که بدنبال وقوع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ تاکنون، تهران با توجه به اهمیتی که سوریه در محور مقاومت و همچنین سیاست خارجی ایران در ابعاد منطقه‌ای دارد، به عنوان یک متحد مهم در کنار سوریه ایستاده است.

به هر حال باید تأکید کرد تهران و دمشق مناسبات تاریخی و پیچیده‌ای دارند که ریشه‌های آن در اعماق تاریخ باستان و تمدن‌های دو کشور باید جستجو کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رهبری نهضت اسلامی و دفاع از قضایای عادلانه در جهان توسط تهران به روند روابط میان رهبران و ملت‌های ایران و سوریه، ظرفیت‌های نوینی اضافه نموده است. اهمیت دمشق در سیاست‌های استراتژیک تهران در سه دهه اخیر، ابعاد گوناگون پیدا کرد و در زمینه‌های مختلف نمودها و تجلی‌های متنوعی یافته است. همسنگری ایران و سوریه در جبهه مقاومت اسلامی در قبال استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی، مناسبات راهبردی میان دو کشور را ارتقا داده است. (Khalidi, 1995: 33) بحران سوریه نه تنها به سطح مناسبات میان طرفین آسیب نرسانده بلکه انگیزه‌های جدیدی به تحکیم بنیه روابط فی‌مابین دو کشور آفریده است. دیدگاه‌ها و مواضع تهران در قبال بحران سوریه آنقدر روشن است که نیاز به توضیح ندارد.

به نظر تهران، سوریه با کمک دوستان خود و درک بالای مردم این کشور، قادر خواهد بود در

برابر فشارهای خارجی ایستادگی کرده و این مرحله از بحران را پشت سر بگذارد. تهران با هرگونه دخالت خارجی در حوادث سوریه مخالف است و همواره اصلاحات در کشور سوریه را مورد تأیید قرار می دهد و به خواسته مردم این کشور احترام می گذارد، اما بر این باور است دموکراسی را نمی توان از طریق لوله تانک وارد کرد. اگر مردم سوریه خواهان استیفای حقوق خود هستند، تهران در کنار آنهاست. دستیابی به هر خواسته و اصلاحاتی، میکانیزم خاص خودش را دارد و بهترین راه برای نیل به این هدف، کار سیاسی و گفت و گوی سازنده و تفاهم آمیز است، که از مسیر نظامی میسر می شود.

### روابط سیاسی سوریه و آمریکا

از نظر تاریخی روابط بین سوریه و آمریکا از سال ۱۸۳۵ با اعزام اولین کنسول ایالات متحده به حلب که به عنوان بخشی از اپراطوری عثمانی آغاز گردیده و با استقلال سوریه در ۱۹۴۶ با تأسیس کنسول گری در دمشق ادامه یافته است. در ۱۹۴۷ آمریکا یک تیم اقدام سیاسی در سوریه تشکیل داد تا ژنرال حسنی الزعیم را متقاعد به کودتا نماید؛ فلذا تا اوایل دهه ۱۹۵۰ بواسطه کودتاهای نظامی سوریه چندپاره بود. در ۱۹۵۷ آمریکایی ها تلاش برای ایجاد یک کودتای دیگر و سرنگونی ادیب شیشکلی رئیس جمهور وقت نمودند که با افشای آن در نطفه خفه شد. پس از آن دو کشور سفرای خود را فراخوندند و روابط تا پس از جنگ ۶ روزه قطع گردید. پس از اشغال بلندی های جولان و شکست سوریه در جنگ روابط فیمابین از ژوئن ۱۹۷۴ از سر گرفته شد و بدنبال آن نیکسون رسماً از دمشق دیدار نمود.

از این رو ایالات متحده به عنوان کشوری منفور و مداخله گر بین سیاستمداران و اکثر مردم سوریه تبدیل شده است؛ البته دلایل دیگری مانند حمایت قاطع آمریکا از رژیم صهیونیستی و وابستگی مالی و دوستی دولت سوریه با روسیه نیز مقوم این نفرت از آمریکا شده است. در سال ۱۹۸۶ و با انفجار هواپیمای اسرائیلی، آمریکا سفیرش را از دمشق فراخواند، هرچند با اخراج گروه ابوندال از سوریه در سال ۱۹۸۷ سفیر آمریکا به سوریه بازگشت. در جنگ اول خلیج فارس سوریه با آمریکا همکاری نمود و برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی در لبنان نیز با آمریکا همگام بود. در

۱۹۹۱ حافظ اسد، دعوت بوش پدر برای شرکت در کنفرانس صلح خاورمیانه را پذیرفت و دیدارهای گوناگونی با مقامات آمریکایی داشت که آخرین آنها دیدار با بیل کلینتون قبل از ریاست جمهوری در مارس ۲۰۰۰ در ژنو بود.

پس از حملات ۱۱ سپتامبر نیز سوریه با ایالات متحده در جنگ علیه تروریسم همکاری داشت؛ اما، مخالفت آن با حمله به عراق روابط را مجدد تیره کرد. سوریه نگران مرزهای خود و موج آوارگان عراقی به کشورش بود و در مقابل آمریکا نیز شروع به شماتت سوریه به بهانه دخالت در امور لبنان، حمایت از گروه‌های فلسطینی، وضع حقوق بشر و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی نمود. با ترور رفیق حریری آمریکا سفیر خود را مجدداً از دمشق فراخواند. در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶ سفارت آمریکا در سوریه مورد حمله تروریستی قرار گرفت که نیروهای امنیتی سوری موفق به مقابله با آن شدند؛ پس از آن بشار اسد و سفیر سوریه در آمریکا هر دو سیاست‌های آمریکا در منطقه را مسبب حملات آنچنانی معرفی نمودند. در سال ۲۰۰۸ سیا و فرماندهی مشترک نیروهای ویژه (JSOC) حمله‌ای شبه نظامی به شهر ابو کمال در استان دیرالزور نمود. در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰ رابرت استقن فورد به عنوان اولین سفیر پس از ترور رفیق حریری در سوریه معرفی شد. اسناد منتشره توسط ویکیلیکس در ۲۰۱۱ فاش نمود که ایالات متحده از گروه‌های اپوزیسیون سوری حمایت مالی و سیاسی می‌نموده است که برای نمونه می‌توان به کمک ۶ میلیون دلاری صرفاً به شبکه ماهواره‌ای بردی (برادا) مستقر در لندن اشاره نمود. در اوایل بحران سوریه هیلاری کلینتون از اسد بعنوان اصلاح طلبی که به خواست مردم پاسخ مناسبی خواهد داد، نام برد؛ هرچند با گذشت زمان او با ما در برهه‌های مختلف خواهان استعفا و کناره‌گیری اسد شد.

به دنبال حمله طرفداران اسد به سفیر ایالات متحده در سوریه در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۱۱ آمریکا سفیر خود را برای حفظ جاننش از این کشور فراخواند. در ۴ سپتامبر ۲۰۱۳ مجلس سوریه در نامه‌ای به مجلس نمایندگان ایالات متحده نسبت به زمه‌های بمباران سوریه توسط آمریکا اعتراض نموده و پیشنهاد داد هر دو کشور با افراط‌گرایی اسلامی بچنگند و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه معارضین سوری را نیز محکوم نمود. پس از قتل عام حوله، آمریکا ۷۲ ساعت به کاردار سوریه



فرصت داد تا خاک ایالات متحده را ترک نماید. آمریکا در ۲۸ فوریه ۲۰۱۴ سفیر خود را بازنشسته اعلام نمود و در حال حاضر سفارت چک در سوریه میزبان بخش حافظ منافع ایالات متحده در سوریه است.

### کنکاشی در بحران سوریه

بحران در کشور سوریه از اوایل سال ۲۰۱۱ آغاز شد که با تداوم آن، تا سال ۲۰۱۵ بیش از یکصد هزار نفر کشته شده است. گسترده‌گی جغرافیای منازعه، حجم بالای خسارت وارده، وقوع خشونت‌های بسیار شدید و نیز حضور مستقیم و غیر مستقیم تعداد بی شماری از بازیگران نظام بین‌الملل در صحنه نبردهای عملیاتی موجب شده است تا از این بحران به عنوان یکی از نمونه‌های منحصر بفرد در یک دهه اخیر یاد شود. پیرامون ماهیت بحران در این کشور همچون بسیاری از پدیده‌های سیاست بین‌الملل بر وجود دو متغیر داخلی و خارجی تأکید می‌شود. کسانی همچون هنری کیسینجر که معتقدند این بحران صرفاً از ماهیت داخلی برخوردار بوده است و معتقد است که این بحران ماهیت سیاسی و بین‌المللی نداشته و صرفاً قومی و مذهبی و جدایی طلبانه می‌باشد. (Henry Kissinger Characterizes Syrian war as..., 2013)

از منظر برخی، متغیر خارجی نیز نقش پررنگی را در صحنه عملیاتی بحران سوریه برعهده داشته است. در قالب این دیدگاه تحقق خواسته‌های مردم این کشور محلی از اعراب نداشته است. در واقع فضای ژئواستراتژیک منازعه در سوریه موجب رقابت و نیز تمایل سایر بازیگران بین‌المللی نسبت به کسب مطلوبیت از این پدیده منازعاتی شده است. آمریکا و برخی از دولت‌های اروپایی و قطر، عربستان و ترکیه براساس دکترین مسئولیت برای حفاظت از جمله مهم‌ترین کنشگران این عرصه بوده‌اند. (Nuruzzaman, 2013: 63) در دو سوی بحران سه دسته بازیگر در حال کنشگری هستند. در وهله اول نظام فعلی سوریه و ارتش آن به عنوان ارکان قانونی کشور در مقابل تعداد قابل توجهی از گروه‌های مسلح داخلی و خارجی معارض قرار دارد. رقابت‌های کنشگران منطقه‌ای و تعاملات قدرت‌های بزرگ در جایگاه بعدی این منازعه قابل تحلیل می‌باشد. همین برخورداری از عوامل چندگانه بحران موجب پیچیدگی آن شده است.

جرقه بحران سوریه در شهر مرزی درعا در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۱ (۲۰ اسفند ۱۳۸۹) با

شعارنویسی چند دانش آموز نوجوان علیه نظام حاکم زده شد. استاندار درعا و سازمان امنیتی آن استان در اقدامی عجولانه نسبت به تنبیه این دانش آموزان اقدام کرده و متعاقب این امر به نحوی کاملاً برنامه ریزی شده شایعاتی مبنی بر تجاوز به این افراد انتشار یافت. ادامه این ماجرا تجمع و تظاهرات اهل سنت در مسجد العمری درعا بود که علیه نظام حاکم شعارهایی سر دادند. این واقعه نقطه آغاز بحران سوریه بود چرا که پس از این حوادث؛ سرویس های امنیتی عربستان و اردن با کمک سران برخی از گروه‌ها و سازمان های وهابی، شیوخ عشایر و باندهای قاچاق در درعا فعال شده و از رهگذر شعارهایی نظیر «شیعه و علوی در تابوت بمیرد، مسیحی در بیروت» به تحریک مردم پرداختند. شعارهای مطرح شده در همان روزهای واقعه درعا به خوبی نشان می دهد که زمینه و شرایط یک تحرک اعتراض آمیز علیه دولت بشار اسد، توسط برخی از کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی و قطر برنامه ریزی شده بود. این فتنه و نیز فریب خوری و اشتباه مدیریتی برخی از مقامات مسئول شهر در تعامل با رخداد باعث ایجاد اتحادی هرچند ناپایدار و موقتی میان معارضان از طایفه سنی سوریه گردید. (Robert M. Darnin, cfr, 2012)

بعد از شورش‌ها و اعتراض های پراکنده در درعا که یک شهر مرزی با جمعیت اندک بود، هجمه نرم افزاری و جنگ روانی شبکه های خبری مخالف محور مقاومت آغاز شد و این رسانه‌ها با استفاده از تبلیغات و فنون عملیات روانی مردم را علیه حاکمیت سوریه به اعتراض و شورش تحریک می کردند. علی رغم این اقدامات سوریه شاهد خیزش های عمومی چندانی نبود و اعتراض‌ها نوعاً در شهرک‌ها و روستاهای حومه شهرهای کلان و بزرگ سوریه، بروز یافت و عمده تظاهرات برگزار شده نیز در روز جمعه بود. در خلال این اعتراض های محدود، پراکنده و غیرمنسجم، کشورهای منطقه به ویژه ترکیه، قطر و عربستان سعودی به طور آشکار حمایت های گسترده ای از معارضان سوریه در داخل و خارج این سرزمین به عمل آوردند.

به طور کلی می توان چنین استنباط نمود که بحران اخیر سوریه نیز همانند هر پدیده سیاسی امنیتی و اجتماعی تحت تأثیر دو دسته بازیگران داخلی و خارجی و در بستری مستعد تحول یافته و الگوی تسری و روند آن تحت تأثیر مجموعه ای از رفتارها و مواضع دو طرف تعارض شکل

گرفته است.

### عملکرد آمریکا در قبال بحران سوریه

عملکرد آمریکا در بحران سوریه را باید در چارچوب راهبردهای کلان سیاسی امنیتی این کشور در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برای مهار ایران، تضمین استمرار منابع انرژی فسیلی، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و داشتن دست بالا در رقابت‌های بین‌المللی با روسیه و چین مورد تحلیل قرار داد. از یک منظر ایالات متحده با از دست دادن بخش عمده‌ای از مزایای نسبی و مطلق خود در عرصه واقعی اقتصاد بین‌الملل (عرضه کالا و خدمات)، تنها به لطف وجود اهرم‌هایی نظیر تفوق بر بازارهای مالی و البته تداوم جایگاه دلار به عنوان ارز مرجع در تجارت جهانی توانسته برغم کسری مفرط موازنه بازرگانی جایگاه خود در اقتصاد بین‌الملل را حفظ نماید.

در این میان با توجه به آشکار شدن ضعف‌های ساختاری نظام مالی و بانکی و سیستم اعتباری آمریکا در بحران عظیم مالی ۲۰۰۸ و از دست رفتن اعتماد بین‌المللی به سیاست‌های فدرال رزرو و کاهش تمایل به خرید اوراق قرضه آمریکا و کمرنگ شدن تدریجی موقعیت ممتاز دلار به عنوان ارز معتبر در مبادلات بین‌المللی و مبنایی برای ذخیره ارزش؛ یکی از محدود کارت‌های باقی مانده برای ایالات متحده برای حفظ هژمونی خود در رقابت با چین، تسلط بر جریان انتقال انرژی از خاورمیانه و خلیج فارس به بازارهای جهانی است. از این رو آمریکا در این منطقه با هر نوع گرایشی که بخواهد به هر درجه‌ای هژمونی آمریکا را به چالش طلبد با شدت و خشونت برخورد می‌کند. تا آنجا که حتی عده‌ای از کارشناسان، از حمله آمریکا و متحدان به عراق و لیبی به عنوان تهاجم به ضعیف‌ترین حلقه از کشورهای متمدن نسبت به غرب تعبیر می‌کنند تا بدین ترتیب از رقبای بزرگتر و قدرتر زهر چشم گرفته شود.

کمال مطلوب آمریکا در منطقه خاورمیانه این است که با سوق دادن کشورهای مسلمان به مرحله فروپاشی اجتماعی و تقسیم جامعه بین گروه‌ها و اقوام و طوایف رقیب و متنازع امکان ایجاد هر نوع حکومت متمرکز و یا وحدت ملی را منتفی نمایند تا اصولاً هیچ نوع بلوک متمرکز و واحدی از قدرت که امکان ایستادگی به هر درجه در مقابل زیاده‌خواهی‌های استعماری را داشته

باشد، شکل نگیرد. در واقع غایت اهداف و مقاصد آمریکا تبدیل جنگ داخلی به وضعیت روزمره و عادی در سوریه و هر کشور اسلامی و عربی دیگری است که احتمال رود در جبهه مقاومت حضور داشته باشد؛ تا بدین ترتیب سیل انرژی‌های اعتراضی موجود بجای آن که به سمت اسرائیل و منافع آمریکا و متحدانش نشانه رود معطوف به درگیری‌ها و مناقشات داخلی گردد. بطور مشخص در بحران سوریه جایگاه مؤثر این کشور در محور مقاومت به اندازه‌ای برای آمریکا از حساسیت برخوردار است که برای تضعیف و براندازی حکومت سوریه در حرکتی ماجراجویانه به گروه‌های افراطی سلفی که مدعی پیکار با آنها در عراق و افغانستان و پاکستان می‌باشد دخیل بسته است.

#### بحران سوریه کانال تحقق اهداف منطقه‌ای آمریکا

اگر به ماجرای سوریه توجه کنیم، مشاهده می‌شود که با گذشت زمان، ترکیه و عربستان، حتی بیش از آمریکا و اسرائیل، در جهت مخالفت با بشار اسد و در صف اول معارضان حکومت سوریه قرار گرفته‌اند. چگونه می‌توان این موضوع را تبیین نمود؟ آیا نظریه هانتینگتون مبنی بر تقسیم بر وظایف استراتژیک با قدرت‌های درجه دو منطقه‌ای، در برابر قدرت‌های عمده منطقه‌ای، در مورد سوریه صدق می‌کند؟ پاسخ به این سؤالات منوط به جواب دادن به این سؤال است که آمریکا در خاورمیانه چه می‌خواهد؟

به طور کلی، اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه این موارد را در بر می‌گیرد: تضمین جریان انرژی منطقه به سوی غرب؛ پیشبرد فرایند به اصطلاح صلح خاورمیانه؛ تأمین و تضمین منافع اسرائیل؛ ستیز با اسلام سیاسی، با عنوان مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی؛ مقابله و یا حداقل کنترل کشورهای مخالف منافع آمریکا؛ گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی، ایجاد بازار آزاد و سکولاریسم در منطقه. (جوادی فتح، ۱۳۸۴: ۲۷ و ۲۶)

در چارچوب مؤلفه‌های مذکور سوریه و بحران در این کشور که آمریکا یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری آن می‌باشد، نقش پررنگی در رسیدن به اهداف راهبردی آمریکا در منطقه داشته و انتظارات علمی از رفتار آمریکا در قبال سوریه بر اساس مطالب فوق‌الذکر کاملاً مشهود است.

### رفتار شناسی آمریکا در بحران سوریه

آمریکا یکی از مؤثرترین و قدرتمندترین بازیگران دخیل در منازعه سوریه است. تحلیل رفتار این کشور نیازمند بررسی دکترین نظم نوین جهانی است. دال اصلی نظم نوین جهانی «ثبات سیادت طلبانه» است و می توان آن را توان بازیگر منفرد برای نظم بخشیدن به کل نظام تعریف کرد. ثبات سیادت طلبانه دو سطح جهانی و منطق های داشته و دارای دو فرآیند اصلی جهانی بودن و کنترل بازیگران راهبردی است. (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۷۴) برای تحلیل رفتاری آمریکا توجه به اهداف و راهبردهای نظریه نظم نوین جهانی اهمیت ویژه ای دارد:

الف) اهداف نظم نوین جهانی را می توان حفظ ارزش های بنیادین آمریکا، رسیدن به اقتصاد غنی، برقراری روابط مبتنی بر همکاری در موقعیت برتر سیاسی با متحدان، ایجاد دنیایی باثبات از طریق توازن های باثبات منطقه ای به منظور بازداشتن و مهار قدرت هایی که در تلاش برای کسب سلطه منطق های باشند دانست. (آقایی، ۱۳۹۰: ۶۳) مهار مخالفان آمریکا، تلاش برای اشاعه دمکراسی، توسعه بازارهای آزاد اقتصادی نیز در زمره اهداف این کشور قرار دارد.

ب) منطقه گرایی و اهمیت آن در نظم نوین جهانی: در گفتمان نظم نوین جهانی، توجه ویژه ای به مناطق مختلف شده و درک این مسأله زمانی بهتر مشخص می شود که اسناد مختلف امنیت ملی آمریکا در سال های پس از اعلام این دکترین مورد بررسی قرار گیرند. در این اسناد بر محورهای زیر تأکید شده است: دست یابی به ثبات سیادت طلبانه در دو سطح جهانی و منطقه ای، توازن های پایدار منطقه ای و تهدید بودن برخی قدرت های منطقه ای برای آمریکا و تأکید بر لزوم حضور فعال آمریکا در مناقشات منطقه ای، جلوگیری از تسلط هر گونه قدرت متخاصم بر مناطق حیاتی، جلوگیری از ظهور قدرتهای منطقه ای، دفاع از متحدان، واکنش سریع به بحران ها، حفظ نهادهای منطقه ای بانفوذ مستقیم آمریکا. (U.S. National Security Strategy, 2002 & 2006) در این میان خاورمیانه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ثبات سیادت طلبانه آمریکا در آن با 4 مدل دول دنبال می گردد: تغییرات بنیادین در خاورمیانه منطبق با نظم نوین جهانی (در قالب طرح هایی چون خاورمیانه جدید و بزرگ) آخرین مرحله از مهندسی خاورمیانه در قالب این طرح و به دنبال گسترش مشکلات آمریکا در عراق آغاز شد و بازیگران خاورمیانه به دو دسته افراطیون (ایران و

سوریه و متحدان آن) و میانه روها تقسیم و حمایت از میانه روها تشدید شد. هدف این تقسیم بندی جلوگیری از قدرت گرفتن کشورهای چالش گر آمریکا در منطقه بود. (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۶۶)

مقابله با بازیگران چالش گر ثبات سیادت طلبانه آمریکا (این کشور برای بسط نفوذ خود در خاورمیانه با بازیگران ارزشی مواجه است) این بازیگران را میتوان به دو دسته شامل اسلام گراها و ملی گراها تقسیم کرد. (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۴) سیاست هایی همچون مهار دوجانبه ایران و عراق، براندازی رژیم صدام، طرح محور شرارت، ساقط نمودن معمر قذافی و تلاش برای برکنار نمودن بشار اسد در سوریه همگی در چهارچوب همین محور قابل فهم است.

توسعه ائتلاف‌ها با بازیگران مؤثر منطقه ای و حضور مستقیم نظامی (آمریکایی‌ها این سیاست را از طریق امضاء پیمان‌های سیاسی و نظامی با قطر، امارات، بحرین، عربستان، عمان و عراق دنبال کرده اند).

آمریکا بر اساس مؤلفه‌های راه بردی خود در نظم نوین جهانی از ابتدای شروع بحران سوریه، به عنوان یکی از بازیگران اصلی وارد منازعه گردید و تلاش برای تغییر وضع موجود را با نگاه به تأمین منافع منطقه ای و فرامنطقه ای خود به شرح زیر دنبال کرد:

۱. حذف یکی از کشورهایایی که ثبات سیادت طلبانه آمریکا را به طرق مختلف در منطقه خاورمیانه به چالش کشیده است.
۲. با توجه به اینکه به زعم آمریکایی‌ها انزوای کشورهای یاغی یکی از اولویت‌های راه بردی آن‌ها در دکترین نظم نوین جهانی است، براندازی بشار اسد با تأثیرگذاری منفی بر قدرت منطقه ای ایران، این اولویت راه بردی آمریکا را تأمین می نماید.
۳. در صورت حذف اسد این مسأله با تضعیف محور مقاومت (ایران-سوریه و حزب الله لبنان) تأثیر مستقیمی بر ارتقاء امنیت اسرائیل می گذارد. امنیت اسرائیل یکی از اهداف جانبی نظم نوین جهانی در کنار اهداف مرکزی ثبات سیادت طلبانه است.
۴. دومین هدف جانبی نظم نوین جهانی، مسأله انرژی است. «قدرت‌های بزرگ تلاش

- می‌کنند تا از تسلط سایر قدرت‌های رقیب بر مناطق ثروت‌ساز جهان جلوگیری کنند».  
(مرشایمر، ۱۳۸۹: ۱۶۱)
۵. با توجه به وابستگی بسیاری از رقبای آمریکا در سطح بین‌المللی به انرژی خاورمیانه، این کشور به انرژی این منطقه به عنوان ابزار قدرت می‌نگرد. حذف اسد و تضعیف ایران (دو قدرتی که احتمال به چالش کشیدن این مسأله بر ضد آمریکا را دارند) به تأمین این هدف راه بردی کمک خواهد کرد.
۶. با توجه به این فرض واقع‌گرایانه که میزان قدرت در نظام ثابت است، نتیجه تغییر وضع موجود در سوریه باعث افزایش قدرت متحدان منطقه‌ای آمریکا به ویژه ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل می‌گردد.
۷. تغییر وضع موجود در سوریه آخرین رگه‌های نفوذ روسیه در خاورمیانه را به چالش می‌کشاند.
۸. حمایت آمریکا از مخالفان سوریه، آن کشور را مدافع دموکراسی در منطقه نشان می‌دهد. تأثیر مهم این موضوع افزایش قدرت نرم آمریکا در منطقه است.
۹. سقوط اسد نفوذ آمریکا در خاورمیانه را افزایش داده و بر قدرت جهانی این کشور تأثیر مستقیم می‌گذارد و می‌تواند به حفظ برتری جهانی از طریق برتری در مناطق نائل آید.
۱۰. تغییر و تحول قدرت در سوریه امواج بیداری اسلامی در مصر، یمن، لیبی و تونس را که به نظر برخی تحلیل‌گران شرایط را به ضرر آمریکایی‌ها رقم زده بود معکوس خواهد کرد و موازنه از دست رفته را به سود آمریکایی‌ها احیاء می‌نماید.

#### مدیریت آمریکا در بحران سوریه

پیرامون جایگاه نبرد کنونی سوریه در استراتژی سیاست خارجی ایالات متحده، عمدتاً سه سطح تحلیل برای تبیین آن ارائه شده است. دسته اول مربوط به موج موسع‌گسترش دموکراسی در خاورمیانه می‌باشد که از دوره ریاست جمهوری بوش پسر در سیاست خارجی آمریکا آغاز شد؛ بر اساس این دیدگاه، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا چاره‌ای نداشت که در خاورمیانه نقش جدیدی را ایفا کند در نتیجه این کشور می‌بایست به جای تقویت حکومت‌های اقتدارگرای

عرب به حمایت از ترویج مردمسالاری می‌پرداخت. آمریکایی‌ها در این مسیر از ابزارهای دیپلماسی عمومی بهره گرفتند و با نفوذ در جامعه مدنی تلاش کردند تا جامعه کشورهای عرب را با عناصر کلیدی دموکراسی آمریکایی از طریق سفرهای مطالعاتی، برتری رسانه‌ای، مسأله حقوق زنان، اعطای بورس تحصیلی و نیز حمایت‌های دیپلماتیک از معارضان مدنی آشنا سازند. اما برخی اذعان دارند که تا مادامی که تضمین جریان نفت از خاورمیانه به سمت آمریکا برقرار بود، این کشور نیازی به اقدام جهت دموکراتیزاسیون کشورهای منطقه نمی‌دید. (هاثورن، ۱۳۸۵: ۴۳)

بنابراین لازم است تا سطح دوم تحلیل، به مباحث انرژی و دول وابسته تأمین‌کننده جریان آن به غرب اختصاص داده شود.

از منظر این سطح تحلیل، کشورهایی همچون قطر، ترکیه و عربستان سعودی به دنبال مسیری جدید جهت احداث خطوط لوله از خلیج فارس به سمت اروپا هستند. این برنامه با حمایت مستقیم کاخ سفید صورت می‌پذیرد. قطر بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی مایع در جهان قصد داشت با روی کارآوردن رژیم دست‌نشانده در سوریه، روند انتقال منابع گازی به اروپا را تسهیل کند. عربستان سعودی با صرف هزینه بسیار و سازماندهی گروه‌های تروریستی تلاش دارد در ادامه از این طریق جریان انرژی منطقه را مهار کند. (Ahmed, 2013) طرح انتقال گاز از منطقه خلیج فارس به اروپا یکی از دغدغه‌های اصلی غرب جهت رهایی این قاره از وابستگی به واردات گاز از روسیه تحمل می‌باشد. برای آمریکا این بهترین فرصت است تا بتواند برای شرکای خود منابع جایگزینی بیابد.

برکناری نظام کنونی سوریه نتیجه دیگری را نیز برای کاخ سفید به همراه خواهد داشت و آن تأمین امنیت مرزهای شمالی اسرائیل می‌باشد. سوریه تاکنون به مثابه پل میان ایران و نیروهای حزب‌الله لبنان بوده است. هرگونه تغییر در این وضعیت، نتایج مطلوبی را برای اسرائیل به همراه خواهد داشت. با توجه به این موضوع، از یک سو، از آنجایی که تأمین امنیت اسرائیل را آمریکا به عنوان یکی از اصلی‌ترین کار ویژه‌های سیاست خارجی خاورمیانه‌ای خود تعریف کرده است و از سوی دیگر، سوریه از معدود کشورهای عربی بوده است که از نسخه‌های آمریکا پیرامون



برقراری ارتباط با اسرائیل خودداری کرده، فلذا پس از جنگ در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ اسرائیل با حزب الله لبنان و حماس که نتایج وخیمی را برای این کشور به دنبال داشت، تئورسین های اصلی ارتباطی این محور محسوب می شد. (Snyder, 2013) آخرین سطح تحلیل مربوط به رقابت های ایالات متحده در عرصه جهانی با قدرت های بزرگی همچون روسیه است. با توجه به این که موضوع رقابت بین آمریکا و روسیه از مباحث مربوط به تحقیق حاضر نمی باشد، بنابراین از بررسی آن اجتناب می شود.

افزون بر موضوعات مطروحه باید تأکید داشت، واشنگتن از آغاز بحران در سوریه شیوه های متفاوتی اعم از سخت افزاری و نرم افزاری را برای مدیریت تحولات این کشور به کار گرفت و مواضع سخت و خشن نسبت به سوریه اتخاذ کرده که از جمله آن می توان به مواردی همچون تجهیز مخالفان، طرح حمله به سوریه، تلاش برای صدور قطعنامه های ضد سوری، تحریک کشورهای عربی برای مخالفت با سوریه، همسوسازی کشورهای منطقه، ایجاد خلل در نشست های سیاسی بین المللی و منطقه ای برای حل و فصل بحران، مشروعیت زدایی از رژیم اسد و رهبران سیاسی، حقانیت زدایی از ساختار سیاسی، هویت سازی سیاسی در سوریه، عملیات روانی، سازمان دهی ایدئولوژی های رقیب و... اشاره کرد.

#### ارزیابی عملکرد آمریکا در قبال بحران سوریه

سردرگمی، تناقض و پارادوکس رفتاری و عملی منتهی به شکست ایالات متحده آمریکا در بحران سوریه بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ تنها ارزیابی واقع گرایانه ای است که می توان از عملکرد و سیاست خارجی آمریکا در بحران سوریه مورد شناسایی قرار داد که دولت واشنگتن را با پیامدهای متعددی در سه سطح خرد، میانه و کلان در داخل سوریه، منطقه و نظام بین الملل مواجه ساخته است.

پیامد سردرگمی و تناقض رفتاری و عملی آمریکا در بحران سوریه در سطح خرد طولانی شدن بحران مذکور است که اگرچه در ظاهر منافی برای آمریکا در پی دارد (مانند مشغول داشتن ایران، حزب الله و دولت سوریه) اما آمریکا را از اهداف اصلی اش باز می دارد. در سطح منطقه ای و میانی

آمریکا نه تنها موقعیت منطقه‌ای خود و متحدانش و امنیت اسرائیل را به خطر انداخته است بلکه دشمنان آمریکا از جمله جمهوری اسلامی ایران با خاطری آسوده تر و اطمینانی بیشتر به اقدامات خود در رابطه با مسائل گوناگون ادامه می‌دهند. در سطح کلان نیز آمریکا نه تنها نتوانسته است هیچ یک از مسئولیت‌های خود در قبال اهداف تعریف شده‌اش در خصوص نظم و امنیت جهانی را به سرانجام برساند بلکه با طولانی شدن بحران سوریه موقعیت بین‌المللی خود را با چالش‌های مختلفی مواجه ساخته است.

علاوه بر اینها تناقض رفتاری و عملی آمریکا در بحران سوریه که به سردرگمی واشنگتن انجامیده سبب شده است که ایالات متحده یکدستی و هماهنگی میان متحدانش را دچار فترت و سستی سازد. در این راستا آمریکا با از دست دادن هژمون خود، تحرک سیاسی قدرت‌های کوچکتر و در نتیجه افتراق میان آنان را ایجاد کرده است. مسأله‌ای که خود را در ارتباط با شکاف‌های میان قطر، عربستان و ترکیه و همچنین اسرائیل علیرغم تلاش‌های فراوان برای ائتلاف سازی بین آن‌ها، نشان داده است. همه این عوامل در سطحی کلان تر یعنی سطح بین‌الملل و منطقه به عنوان نشانه‌ای از قدرت جهانی و منطقه‌ای آمریکا تعبیر می‌شود که پیامد آن فعال تر شدن روسیه، چین و ایران در قبال بحران سوریه است.

#### **تأثیر عملکرد آمریکا در بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**

بحران سوریه به ویژه از این نقطه نظر که ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، به عنوان دو طرف درگیر در این بحران وارد معادله پیچیده‌ای با هم دیگر شده و در یک جنگ نیابتی تمام عیار در مقابل هم قرار گرفته اند، ماهیتی کاملاً امنیتی و ژئوپولیتیکی برای ایران برخوردار شده است. به خصوص این که باید توجه داشت نقش آفرینی ایالات متحده در بحران سوریه و حضور تنگاتنگ این کشور در تمامی ابعاد وجودی بحران مذکور که همچنان سعی در تداوم و بقاء آن دارد، در اصل بخشی از راهبرد امنیت ملی، نقش ملی و اهداف منطقه‌ای سیاست خارجی آمریکا می‌باشد. در این بین ایران به عنوان یکی از موضوعات هدف آمریکا در سطح منطقه می‌باشد که واشنگتن در صدد مهار آن از طریق بحران سوریه می‌باشد.

### تأثیر عملکرد آمریکا در بحران سوریه بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

سرنگونی بشار اسد که متحد راهبردی ایران است و جایگزینی آن با یک نظام دیگر هدف اصلی آمریکا در سوریه می‌باشد. بدون شک این هدف که از سال ۲۰۱۱ به‌طور جدی در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته است امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. به زعم ایالات متحده اول این که، جمهوری اسلامی منشأ و خاستگاه اسلام انقلابی یا به تعبیر آن بنیادگرایی و افراط‌گرایی اسلامی است. دوم، به علت حمایت و پشتیبانی از نظام سیاسی و دولت بشار اسد و دفاع از حقوق اولیه مردم سوریه در تعیین حق سرنوشت خویش و حمایت از حزب الله و سایر گروه‌های مقاومت در سوریه که با جریان‌ات تکفیری می‌جنگند، از کسانی حمایت می‌کند که تروریست هستند. سوم، رهبران و سیاستگذاران آمریکا بر این اعتقادند که جمهوری اسلامی از دولتی حمایت می‌کند که مردم خود را می‌کشد!

بنابراین تردیدی نیست که یکی از اهداف اصلی نقش آفرینی و دخالت آمریکا در بحران سوریه، ایران است. بنابراین بحران سوریه که با دخالت آمریکا پیچیده شده و بر ابعاد و دامنه آن افزوده گردیده است، به دو گونه سلبی و ایجابی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده و ممکن است در آینده نیز اثرگذار باشد. از یک طرف با ایجاد چالش‌ها و آسیب‌پذیری‌های داخلی و خارجی، کلیه ابعاد امنیت سیاسی ایران را به مخاطره انداخته و می‌اندازد که در صورت عدم چاره‌جویی، ضریب امنیت ملی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، فرصت‌های سیاسی مناسبی نیز برای ایران فراهم ساخته و می‌سازد که به شرط بهره‌برداری و استفاده مناسب و بهینه از آن‌ها پایه‌های امنیت ملی تحکیم شده و ضریب امنیت ملی افزایش می‌یابد.

بحران سوریه بخصوص از این نکته نظر که آمریکایی‌ها بر اساس اهداف و مقاصدی که در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و همچنین معادلات منطقه‌ای برای خود تعریف کرده‌اند، نقش اول و اصلی را در بحران مذکور ایفا نموده و در حقیقت یکی از بازیگران بسیار مهم تحولات داخلی سوریه به شمار می‌روند، چالش‌های متعددی بر امنیت سیاسی ایران که بخش مهمی از امنیت ملی را در بر می‌گیرد، دارد که مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از: تضعیف و تهدید ایدئولوژی اسلامی؛ انزوای استراتژیک ایران در منطقه؛ تشدید رقابت ایران با ترکیه، عربستان سعودی و کشورهای

عربی؛ رشد ناسیونالیسم کردی در منطقه و رشد افراط‌گرایی و سلفی‌گری در محیط پیرامونی ایران.

بحران سوریه و نقش آفرینی ایالات متحده در آن در کنار ایجاد چالش‌های سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران، فرصت‌های متعدد امنیتی نیز فرام‌ساخته است که با اعمال مدیریت راهبردی، به معنای دفع تهدیدات از طریق استفاده بهینه از فرصت‌ها، ضریب امنیت ملی در تمامی ابعاد داخلی و خارجی ارتقا می‌یابد. بعضی از این فرصت‌ها معلول ویژگی‌ها و خصوصیات ملی جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر محصول ساختار و تحولات منطقه‌ای است. برآیند این دو دسته از فرصت‌ها، ارتقای قدرت و امنیت سیاسی و متعاقب آن ارتقای امنیت ملی ایران خواهد بود. اما فرصت‌های بحران سوریه بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را به این شرح می‌توان برشمرد: تحول و تغییر در ساختار قدرت منطقه‌ای؛ تقویت گفت‌وگو و محور مقاومت اسلامی؛ حفظ و تقویت جبهه مقاومت اسلامی در منطقه؛ تقویت موقعیت علوی‌ها در ترکیه و سوریه؛ کسب محبوبیت بیشتر در میان نخبگان و روشنفکران جهان اسلام؛ وارد کردن خسارت قابل توجه مادی و معنوی به جبهه دشمن (تکفیری‌ها)؛ جلب توجه و نظر گروه‌های اسلام‌گرای واقعی در منطقه؛ تضعیف جایگاه و موقعیت دولت‌های عربی وابسته به غرب در منطقه؛ فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای وحدت ایران، عراق، سوریه و لبنان؛ تضعیف موقعیت کلی رژیم صهیونیستی در منطقه؛ ایجاد و توسعه چالش میان آمریکا و سلفی‌ها در منطقه؛ فراهم شدن زمینه برای درگیری‌های سلفی - سلفی در منطقه؛ تقویت موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و جهانی سوریه؛ تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ شکست سیاست‌های ضد اسلامی غرب در منطقه و رسوایی علنی دولت‌های عربی وابسته به غرب نظیر عربستان سعودی و قطر.

#### تأثیر عملکرد آمریکا در بحران سوریه بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران

امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به صورت فقدان تهدیدات نظامی داخلی و خارجی علیه ارزش‌های مکتسب مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آن‌ها تعریف کرد. این ارزش‌ها شامل حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، سلامت و امنیت مردم، بقای نظام

سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی - مذهبی، رفاه و معیشت مردم می‌شود و تهدیدات نظامی علیه این ارزش‌ها ممکن است عینی یا ذهنی باشد. همچنین بهترین سازوکار برای تأمین امنیت نظامی، داشتن قدرت و نیروی نظامی کافی و کارآمد برای جلوگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم نظامی تلقی می‌شود.

بحران سوریه به ویژه از این منظرگاه که آمریکایی‌ها و عوامل منطقه‌ای آن به یکی بازیگران اصلی این بحران تبدیل شده‌اند و هزینه‌های متعددی را نیز بر نظام سیاسی بشار اسد تحمیل کرده‌اند، فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی را بر امنیت نظامی ایران همانند امنیت سیاسی دارد که سه مورد از این تأثیرات از اهمیت بسزایی برخوردار است که عبارتند از: ارتقاء جایگاه و منزلت نظامی و اطلاعاتی ایران در منطقه؛ کاهش امنیت نظامی رژیم صهیونیستی؛ تغییر موازنه تهدید منطقه‌ای به زیان ایران.

### نتیجه‌گیری

در جمع بندی آثار و پیامدهای ناشی از حضور آمریکا در بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف باید توجه داشت که محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران با دشواری‌های مختلفی مواجه است که می‌توان آن‌ها را در سه دسته اصلی تقسیم بندی نمود:

(۱) حضور فراگیر و ناخوانده آمریکا و متحد اصلی منطقه‌ای این کشور یعنی اسرائیل در کشورهای همجوار؛

(۲) پیامدهای این حضور و نفوذ در منطقه نظیر عراق، افغانستان، فلسطین و سوریه؛

(۳) گسترش نهادهای فرامنطقه‌ای نظامی - سیاسی به منطقه نظیر ناتو.

واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و فرآیندهای رفتار استراتژیک قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا نشان می‌دهد ایران در قلب منطقه خاورمیانه قرار دارد. منطقه‌ای که با بحران‌های متعدد و تصاعد یابنده همراه است. شاخص‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی همچنین ضرورت‌های ژئوپلیتیکی زمینه مداخله قدرت‌های بزرگ را در محیط پیرامونی ایران فراهم و افزایش داده است. با توجه به چنین روندی، شاخص‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های قرن بیست و یکم با تغییرات

قابل توجهی روبرو شده است. این امر از یک سو ناشی از دگرگونی‌های ساختاری در نظام بین‌الملل و تغییرات و تحولات منطقه‌ای از سوی دیگر است. به موازات مسائل و تغییراتی که یاد شد شاهد دگرگونی‌هایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای امنیت‌سازی هستیم. این در حالی است که در کنار همه اینها باید توجه داشت، بی‌ثباتی‌های امنیتی ناشی از حضور نرم آمریکا در برخی کشورها بخصوص در طی سال‌های اخیر در سوریه (متحد راهبردی ایران) به افزایش التهاب و ناملاطمتی در محیط پیرامونی ایران بیش از پیش منجر شده است.

علاوه بر این، در شرایط موجود و کنونی، محیط پیرامونی ایران شاهد افزایش مداخله‌گری‌های آمریکا در کشورهای اسلامی و مشخصاً سوریه شده است؛ مداخلاتی که به ویژه در خصوص سوریه، به نمادی از تحرک استراتژیک آمریکا برای دگرگونی در ساختار امنیت منطقه‌ای و بازسازی فرآیندهای سیاسی، امنیتی، اجتماعی در این کشور تبدیل شده است. کما این که این مسأله به عنوان متغیری مؤثر جهت آسیب پذیر سازی امنیتی ایران مبدل شده است.

اما بحران سوریه، مسائل بسیار جدی را در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی به وجود آورده و پای ابرقدرت‌های بزرگ اقتصادی و نظامی نیز به بحران سوریه باز شده است. به گونه‌ای که در حال حاضر، بحران سوریه موجب تشدید حضور نرم آمریکا در این کشور و آثار و پیامدهای ناشی از آن در منطقه پیرامونی ایران شده است. ایران یکی از بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران سوریه است که توجه به داشتن روابط دیرینه تاریخی با دولت سوریه و همچنین اهمیت راهبردی سوریه برای ایران، به صورت مستقیم و غیرمستقیم همچنانکه در فصل حاضر و در چارچوب طرح چند سؤال و تحلیل آن‌ها نشان داده شد، از این بحران عمیقاً متأثر است به گونه‌ای که مسأله امنیت ملی ایران در وضعیت کنونی بیش از پیش اهمیت خود را آشکار کرده است. ایران برای حفظ امنیت ملی خود در قبال تهدیدهای به وجود آمده، رویکرد حمایت همه‌جانبه خود را از دولت بشار اسد به اجرا گذاشته و اتحادی را با کشورهای روسیه و چین برای جلوگیری از سلطه غرب بر این منطقه اتخاذ کرده و سیاست خارجی خود را در این راستا تنظیم کرده است. مسأله امنیت ملی برای ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای در پیوند با مسأله امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه، می‌تواند

نقش ایران را به عنوان یک کشور تأثیرگذار در حل بحران سوریه در مقیاس جهانی به معرض نمایش بگذارد.

### راهکارها

بحران سوریه و حضور ایالات متحده در آن از طریق ایفای نقش‌های سیاسی، امنیتی و نظامی به عنوان بخشی از راهبرد امنیتی آمریکا جهت مقابله با دولت‌های مخالف اسرائیل و حامی گفتمان مقاومت، در بردارنده چالش‌ها و فرصت‌های متعددی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌باشد که در فصول قبلی به تشریح آن‌ها پرداخته شد. از یک سو ابعاد مختلف امنیت ملی ایران را به چالش می‌کشد و از سوی دیگر فرصت‌هایی را در پیش روی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.

بر اساس مباحث مطروحه همچنان که ذکر شد امنیت ملی ایران به گونه‌ای خاص با بحران سوریه از این نقطه نظر که این کشور متحد راهبردی ایران و همچنین یکی از حلقه‌های زنجیره طلایی محور مقاومت می‌باشد و برای همین در معرض شدیدترین تهدیدات امنیتی، سیاسی و نظامی آمریکا قرار گرفته است، گره خورده است. بنابراین بر مبنای مطالبی که بیان شد این راهکارها و مکانیسم‌ها را در جهت افزایش و مصون سازی امنیت ملی ایران در مقابله چالش‌های ناشی از بحران سوریه باید به کار بست:

### ۱. تولید قدرت استراتژیک

مبتنی بر رویکردهای رئالیستی هم اکنون آمریکا به عنوان هژمونی و ابر قدرت برتر در نظام بین الملل تعریف می‌شود. واحدهای سیاسی زمانی می‌توانند به عنوان هژمونی و ابر قدرت برتر عمل نمایند که برخلاف اراده سایر بازیگران ایفای نقش نمایند. این روند را می‌توان در عملیات نظامی آمریکا در افغانستان و عراق و همچنین بحران سازی در سوریه دید. در واقع زمانی که آمریکا به قدرت مازاد دست یابد، طبیعی است که به مداخله گرای گسترده تری مبادرت می‌ورزد. مداخله گرای ناشی از تغییر موازنه قدرت است. حجم قابل توجهی از اقدامات تهاجمی را می‌توان در شرایطی مورد توجه قرار داد که قدرت سیاسی و استراتژیک یک کشور نسبت به محیط منطقه‌ای

افزایش یابد. آمریکایی در حالی به بحران سوریه ورود پیدا نموده و قبل از این در کشور مذکور بحران سازی نمودند که به چنین سطحی از قدرت مازاد دست یافته بودند. در چنین شرایطی ضرورت‌های امنیت ملی ایران ایجاب می‌کند که در فضای قدرت سازی قرار گیرد. (متقی، ۱۳۹۰: ۲۳)

قدرت سازی شامل طیف‌های گسترده‌ای از کنش‌های استراتژیک است. قدرت می‌بایست متناسب با نوع تهدیدات سازماندهی شود. از آنجایی که تهدیدات ماهیت متنوع، مبهم و فراگیر دارند، از این رو قدرت سازی هم باید دارای شاخص‌های مشابهی باشد. اگر جمهوری اسلامی بتواند ابزارهای لازم قدرت را تولید یا متمرکز نماید، طبیعی است که اجرایی سازی فرآیندهای مقاومت در برابر تهدیدات ناشی از حضور و مداخله آمریکا در بحران سوریه افزایش می‌یابد. بنابراین هدف استراتژیک ایران از تولید قدرت را می‌بایست حفظ وضعیت موجود، یعنی حفظ موجودین نظام سیاسی اسد در سوریه دانست.

لذا در شرایطی که تهدیدات امنیت ملی ایران در نتیجه بحران سوریه که طیف‌های متنوعی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بخصوص آمریکا در آن دخالت دارند، افزایش یافته است، ضروری است که جمهوری اسلامی نیازمند قدرت مضاعف است. زیرا حفظ نظام سیاسی اسد در سوریه که هدف اصلی حضور ایران در یک طرف درگیری‌ها در سوریه است، بدون تولید و تقویت منابع مختلف قدرت امکان پذیر نیست. باری بوزان نیز در مباحثی که برای تبیین قدرت ساختاری ارائه داده است، بر این نکته تأکید دارد که بدون تولید قدرت مضاعف از سوی بازیگران رقیب و تحرک استراتژیک نمی‌توان به آنچه که در پی آن است نایل گردید. شرایطی که به تهدید منجر می‌شود نیز ناشی از عدم موازنه قدرت بین بازیگران درگیر در یک موضوع است.

از آنجا که جمهوری اسلامی دارای ژئوپلیتیک مبتنی بر تهدید است و این امر نیز در سوریه به منصفه ظهور رسیده است، ضرورت قابل توجهی برای بازسازی قدرت ملی دارد. بخشی از این امر را می‌توان در ارتقاء سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی دانست. تلاش برای ایجاد و تقویت بیش از پیش زیرساخت‌های نظامی و امنیتی و عملیاتی کارآمد را می‌توان یکی از این مکانیسم‌ها دانست. به



این ترتیب در شرایطی که بر اساس نظریه واقع گرایی، تهدیدات امنیت ملی امری دائمی و اجتناب ناپذیر است و از سوی دیگر تهدیدات ناشی از هژمونیک گرایی آمریکا در منطقه افزایش یافته است، دولت ایران نیز ناچار است، ابزار هوشمندانه‌ای برای تنظیم مناسبات قدرت خویش به کار گیرد. در این ارتباط، آمریکا تلاش می‌کند حوزه‌های نفوذ سنتی خود را در محیط پیرامونی ایران از طریق عملیات و اقدامات پیشدستانه ارتقاء دهد. چنین روندی طبیعتاً به کاهش امنیت ملی ایران منجر می‌شود. تولید قدرت در حوزه‌های مختلف آن را می‌توان عاملی در جهت تأمین حداقل‌های امنیتی موجود دانست. (متقی، ۱۳۹۰: ۲۵)

لازم به توضیح است، قدرت نظامی صرفاً یکی از جلوه‌های توزیع و تقویت قدرت است. قدرت نظامی، بازتاب شکل متنوعی از قدرت استراتژیک است. کشورهای که در شرایط تهدید بین‌المللی و منطقه‌ای قرار دارند، نیازمند بازتولید قابلیت‌های قدرت ملی هستند. در این ارتباط دیپلماسی، فنآوری و اقتصاد از جمله عواملی محسوب می‌شوند که زمینه ساز تقویت امنیت ملی و همچنین تولید کننده سطح گسترده تری از قدرت ملی هستند.

## ۲. تهدیدزدایی از رفتار استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

به طور کلی محیط منطقه‌ای ایران همچنان که در سوریه مشاهده می‌شود، با سطح گسترده و مشهودتری از تهدیدات امنیتی روبرو شده است. در چنین شرایطی ضرورت‌های رفتار استراتژیک ایجاب می‌کند ایران در وضعیت تهدیدزدایی قرار گیرد. در ارتباط با بحران سوریه این موضوع را به این صورت می‌توان تشریح نمود که در دوره‌ای که تهدیدات ناشی از بحران سوریه برای ایران افزایش یافته و شرایطی مبتنی بر عدم اطمینان ظاهر شده است، ضرورت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایجاب می‌کند که دستگاه دیپلماسی توانایی سازگاری و مجاب سازی دیگران در خصوص این که تهدیدات ناشی از بحران سوریه نه فقط یکی دو بازیگر که تمام منطقه و جهان را تهدید می‌کند را افزایش دهد. زیرا بدون سازگارسازی و مجاب سازی منطقه‌ای و بین‌المللی امکان تهدیدزدایی کاهش می‌یابد.

به این ترتیب ضرورت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایجاب می‌کند که در برابر تهدیداتی

که در نتیجه بحران سوریه و حضور و نقش آفرینی آمریکا رد بحران مذکور ایجاد شده است گام‌های مؤثرتری از طریق بهره‌گیری گسترده از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برای مهار بحران سوریه به گونه‌ای که منافع ملی ایران نیز در آن لحاظ شود بردارد. با این وصف اگر کشورهای تلاش‌چندانی برای ایفای نقش مؤثر و سازنده و نه مخرب به انجام نرسانند و در این روند طیف گسترده‌تری از بازیگران و کشورها را وارد گردونه معادلات امنیتی خود نکنند، در آن شرایط طبیعی است که با محدودیت‌های استراتژیک روبرو می‌شوند. خوشبختانه در این مورد جمهوری اسلامی با وارد کردن روسیه و چین و برخی از بازیگران منطقه‌ای به بحران سوریه تاکنون توانسته گام‌های مؤثری در کاهش تهدیدات ناشی از بحران سوریه بر امنیت ملی خود بردارد.

### ۳. کاستن از یکجانبه‌گرایی آمریکا

به‌طور کلی باید بر این امر تأکید کرد که در خصوص بحران سوریه، جمهوری اسلامی نیازمند شرایطی است که به موجب آن، یکجانبه‌گرایی آمریکا را به طور قابل توجهی کاهش دهد. این امر از طریق اقدامات یکجانبه و چندجانبه انجام خواهد گرفت. اگر آمریکا احساس نماید هزینه‌های تهدید و مداخله‌گری در سوریه افزایش می‌یابد و منافع این کشور را در کل منطقه به خطر می‌اندازد، طبعاً تلاش محدودتری برای افزایش اقدامات مخرب و یکجانبه خود در سوریه انجام خواهد داد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۷۶)

در این راستا تهدیدزدایی آمریکا از دو طرق صورت می‌گیرد: گام اول آن را باید در راستای حداکثرسازی ارتباطات بین‌المللی ایران از طریق هماهنگ‌سازی با هنجارهای بین‌المللی دانست. دومین الگوی تهدیدزدایی را باید بالا بردن هزینه‌های مداخله‌گری آمریکا تلقی نمود. الگوی اول در جهت حمایت از چندجانبه‌گرایی بین‌المللی در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا سازماندهی کرد. در حالی که الگوی دوم را می‌توان اقدامی در راستای منصرف‌سازی آمریکا از عملیات نرم و سخت و مستقیم و غیرمستقیم تهاجمی تشدید‌یابنده در سوریه دانست.

### ۴. ائتلاف‌سازی منطقه‌ای

شواهد نشان می‌دهد ائتلاف‌سازی در دوران بحران برای مقابله با آثار سوء بحران یکی از ابزارها و

مکانیسم‌های مؤثر و کارآمد می‌باشد. هژمونیک‌گرایی آمریکا در خاورمیانه و دخالت این کشور در بحران سوریه، اگر نگاه واقع‌بینانه‌ای به موضوع داشته باشیم برای تمام کشورهای منطقه حتی عربستان که در صف متحدان آمریکا قرار دارد، مخاطرات متعددی به وجود آورده است. بنابراین هیچ‌یک از کشورهای منطقه حتی مخالفان دولت بشار اسد را در شرایط فعلی نمی‌توان فارغ از تهدیداتی دانست که در نتیجه حضور آمریکا در بحران سوریه به‌وجود آمده است. باید توجه داشت که آمریکا به عنوان یک ابرقدرت جهانی می‌کوشد با فرصت‌های ایجاد شده بین‌المللی و بهره‌گیری از توان برتر خود در عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، زمینه‌های تداوم سلطه و برتری خود را در آینده به هر بهایی که ممکن است فراهم سازد. (امینان، ۱۳۸۳: ۸)

در خصوص بحران سوریه، برای این که آثار و پیامدهای سوء آن بر امنیت ملی ایران کاهش یابد، جمهوری اسلامی باید به ائتلاف‌سازی در برابر آمریکا پرداخته و سایر کشورهای درگیر در بحران سوریه حتی عربستان، ترکیه و قطر را متقاعد کند که بحران سوریه در اصل وسیله‌ای برای سلطه آمریکا بر منطقه‌ای است که این کشورها نیز که به ابزار برای تحقق این سلطه تبدیل شده‌اند، بخشی از آن هستند.

چهار مورد بالا به عنوان مهم‌ترین راهکارها از بین شاید ده‌ها راهکاری که می‌تواند وجود داشته باشد، برای مقابله با آثار و پیامدهای سوء بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه و تبیین شد. مشخصه بارز این راهکارها نیز همچنان که مشخص است، نگاه عمیق و ریشه‌ای به پیامدهای منفی بحران سوریه بر امنیت ملی ایران است که در اصل از مداخله آمریکا در این بحران که ایران به عنوان بزرگترین کشور حامی و پشتیبان گفتمان و محور مقاومت یکی از اهداف راهبردی آن می‌باشد، نشأت می‌گیرد.

کتابنامه

الف) منابع فارسی

۱. ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، مجله سیاست خارجی، شماره دو
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۷۸)، «دو چهره امنیت ملی: بررسی چالش امنیتی فراسوی نظام جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم»، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی
۳. امینیان، بهادر، (۱۳۸۳)، «آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات»، سیاست دفاعی، شماره چهار
۴. آجرلو، حسین، «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم اندازها»، تهران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰
۵. آقایی، سعید، (۱۳۹۰)، «نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی»، تهران: انتشارات پیک فرهنگ،
۶. بوزان، باری، (۱۳۸۷)، «مناطق و قدرت‌ها»، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۷. جوادی فتح، سارا، (۱۳۸۴)، «سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ»، تهران، مجله راهبرد، شماره ۳۵
۸. خوشوقت، محمد حسین، (۱۳۸۵)، «تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، تهران: وزارت امور خارجه
۹. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (۱۳۸۳)، «چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
۱۰. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (۱۳۸۷)، «طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳

۱۱. شیهان، مایکل، (۱۳۸۸)، «امنیت بین الملل»، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۲. عبدالله خانی، علی، (۱۳۹۰)، «امنیت منطقه ای: رویکردها و الزامات»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
۱۳. مرشایمر، جان، (۱۳۸۹)، «تحول در نظریه‌های موازنه قوا»، ترجمه غلامعلی چگینی زاده، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
۱۴. نصری، قدیر، (۱۳۸۴)، «تأملی روش شناختی بر مکتب بافتار منطقه‌ای امنیت»، تهران، مطالعات راهبردی، شماره ۲۹
۱۵. هاتورن، ایمی، (۱۳۸۵)، «آیا آمریکا می‌تواند مردم سالاری را در خاورمیانه رواج دهد؟ در کتاب آمریکا و جهان قرن بیست و یکم»، ترجمه فرهاد عطایی و محمدرضا اقارب پرست، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق

#### ب) منابع خارجی و وبگاه‌ها

1. Ahmed, Nafeez, (2013), "Syria Intervention Plan Fueled by Oil Interests, not Chemical Weapon Concern", The Guardian Newspaper, 30.08.2013, available at: <http://www.theguardian.com/environment/earth-insight/2013/aug/30/Syria-chemicalattack-war-intervention-oil-gas-energy-pipelines> (Accessed in April 2014).
2. Kissinger, Henry, (2013), Characterizes Syrian War as "Ethnic and Sectarian Conflict," Discusses other Foreign Policy Issues at Gerald Ford Centennial Event, Monday, July 1, 2013, Gerald R. Ford School of Public Policy, Available at: [http://www.fordschool.umich.edu/news/?news\\_id=1111](http://www.fordschool.umich.edu/news/?news_id=1111) (Accessed in 25.004.2014).
3. Render, B & R. M. Stair, (1992), Introduction to Management Science, Boston: Allyn and Bacon.
4. Snyder, Michael, (2013), "Is The United States Going to Go to War With Syria Over A Natural Gas Pipeline?", The Economic Collapse, September 3rd, 2013, available at: <http://theeconomiccollapseblog.com/archives/is-the-unitedstates-going-to-go-to-war-with-syria-over-a-natural-gas-pipeline> (Accessed in May 4,

